

پان ایرانیسم



به پیش برای رهائی بحرین از چنگال اشغالگران

ملای توده ای در بابل
اوقاف بابل در چنگ بلشویکها - حال ضرور
هندی و شریانی - ستوان یکم در روز انفر
عمل توده ایها در آمل - ایرانیان دقیسم هند

۰۰ هزار و بیست و یک نفر کشته شدند در راه آزادی - بزودی
ما بر خدا - همایون شرابی افتتاح خواهد شد از نظرات جلوه گری میشود سر هفتک جبرود
چالوس - دگر مریلی رئیس ساختمان خانی نوشهر - حمید آبرو - وفارانی جبرود



بیگانه، سیاست پان ایرانیسم تنها سیاست رهائی بخش
ملت ما است

از روزیکه رستاخیز بزرگ ملت ایران برای گسستن زنجیر
های استعمار بیگانه آغاز شد و هنگامی که امپریالیسم خون آشام
انگلیستان در مبارزه ملی کردن صنعت نفت بزور آمد ما تقسیم که
نیاید و نمی توان ملت استعمار زده ایران را در نیمه راه نگاه داشته
باین پیروزی های کوچک دلخوش داشت، بلکه باید از هیجان های
بیش از پیش سود برده با گام های تند در راه سرکوب کردن استعمار
بیگانه و باز گرداندن سرفرازی میهن پیش تاخت ۰۰۰
ما میدانستیم که سرکوبی استعمار انگلیستان و در آوردن کانهای ذخیره نفت از
چنگ آنها به تنهایی نمیتواند ملت ما را از گرداب سیه روزی و بدبختی برهاند و ناچار
می گفتم که مبارزه ضد استعماری باید در همه جبهه ها گسترش یابد و آتش احساسات
ملی بایست کشیدن هدف های بزرگ و تاریخی تیز تر شود...
ما میدانستیم که بهره برداری از کانهای نفت جنوب تاهنگامی که دزدان جزیره
نشین بریتانیا بر خلیج فارس حکمرانی دارند، که رهائی از چنگال فقر اقتصادی تا
روزی که هم پیچان ما در زنجیر استعمار دروس بر میزند،
که زندگی آزاد و آسوده تازمانیکه کاخ نشینان آزمند و شکنجه در ایران
دست دارند برای ملت ایران امکان ناپذیر است
و از همین جهت بود که فریاد میزدیم تنها سیاستی که می تواند ملت ما را از
لجنزار کونی بیرون کشیده و بسوی سرفرازی و آزادی رهبری کند سیاست پان
ایرانیسم است و بس.

بقیه در صفحه ۲

آیا برای شیلات هم فکری

شده است

یکی از مسائلی که چندی است مورد
بحث محافل مختلف قرار گرفته موضوع
شیلات است.
اتفاقا در همین هفته واقعه کوچکی
برایم اتفاق افتاد که مرا بیشتر در اینباره
بفکرم و بسرد.

میگویند کارخانه حریر بافی

چالوس بجای نفع ضرر می دهد - هل میرا بش

جبرود فرانسیوی را بشناخت

کارخانه حریر بافی چالوس که یکی
از مهمترین کارخانه های ایران است قریب هزار
و پانصد نفر کارگر و کارمند دارد.
کارگران رنجبر و زحمتکش با علاقه
مندی و اشتیاق کامل انجام وظیفه مینمایند
و با حقوق ناچیز خود ساخته و باغریستی و
بشکارت تمام کرامت و سستی و هوای مالاریا
خیز را تحمل میکنند و دبستگی کاملی به
محل خویش دارند، حتی المقدور میکوشند
تا وسائل پیشرفت و ترقی کارگاه خود را
فراهم آورند.
اکثر آنان که بقایع ننگین و قتل و
ازمهر بن کارخانه های ایران است قریب هزار
و پانصد نفر کارگر و کارمند دارد.
کارگران رنجبر و زحمتکش با علاقه
مندی و اشتیاق کامل انجام وظیفه مینمایند
و با حقوق ناچیز خود ساخته و باغریستی و
بشکارت تمام کرامت و سستی و هوای مالاریا
خیز را تحمل میکنند و دبستگی کاملی به
محل خویش دارند، حتی المقدور میکوشند
تا وسائل پیشرفت و ترقی کارگاه خود را
فراهم آورند.
اکثر آنان که بقایع ننگین و قتل و

پاد داشت زیر از طرف وزارت
خارج دیروز سفارت عراق فرستاده شده
است.
جناب آقای بهاء الدین نوری کاردار
دولت پادشاهی عراق تهران با نهایت احترام
خاطر عالی رامستعرض میدارد که در ملاقات
روز پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۳۱ اطلاعاتی
را که بدولت شاهنشاهی ایران راجع به
مسافرت والا حضرت نایب السلطنه عراق
و جناب آقای نخست وزیر و عده ای از امامورین
عالیه رسمیه دولت عراق به بحرین رسیده
بود بجناب عالی اطلاع دادم و تمجید و تاسف
دولت شاهنشاهی را از این اقدام اظهار
داشتیم و جناب عالی فرمودید که نه تنها چنین
مسافرتی صورت نگرفته بلکه قصد چنین
مسافرتی در بین نبوده است در صورتیکه
اطلاعاتیکه مجددا از منابع موثق بدولت
رسیده معلومی دارد که والا حضرت نایب
السلطنه عراق مقادیر ساعت سه بعد از ظهر
دوشنبه یازدهم فروردین ۱۳۳۱ با کشتی
بقیه در صفحه ۲

کارگران میهن پرست

آغا جاری را دریابید ۰۰۰

دیروزنامه ای بسامضای قریب ۵۰۰
نفر از کارگران آغا جاری باین اداره رسید و
چون حزب مادر تمام جهات از این طیفه معروف
و متمشک پشتیبانی میکند بدینجهت همین
بقیه در صفحه ۴



قرار دادان بازرگانی امریکا

و چین کمونیست - دستگیری رهبر ملیون
الجزیره - شکست کنفرانس اقتصادی مسکو
نمایندگان بازرگانی ژاپن نقاضای خرید دوپست
هزار تن نمک را کرده اند ممکن است قرار داد چهار
ماهه بین دول کرانه مدیترانه منعقد گردد

قرار داد بازرگانی امریکا و چین کمونیست
خبرگزاری فرانسه اطلاع میدهد که بین دولت چین کمونیست و کمیای بزرگ
بقیه در صفحه ۴

تصحیح
در شماره گذشته تیرمقاله سناتور مسعودی تشکرات قلبی اشتباه
در چاپخانه تشکرات قلبی بچاپ رسیده بود بدینوسیله تصحیح و از
خوانندگان پوزش می طلبیم

حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم گشتی سعادت و عظمت ایران بزرگ را بر روی
امواج خون به پیش میراند

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

به پیش برای رهائی

بقیه از صفحه ۱

دکتر مصدق آنچه تاکنون کرده فرمان ملت ایران بوده ... و از این پس نیز باید باین فرمان کوش فرماده...

دکتر مصدق با اعتراض نسبت بدخالت‌های استعماری انگلستان در بحرین یکبار دیگر وفاداری خود را بخواستهای ریشه‌دار ملت ایران نشان داد و یک گام دیگر بسوی پیروزی نزدیک شد .
بگذارید هیئت حاکمه ستیکر و پادوهای بی‌شرم او از ملی شدن صنعت نفت غمناک شوند و بدوری از باب زاری کنند اما رزم‌جویان ضد استعمار خود را آماده رهایی بحرین سازند .

بگذارید نوکران استعمار و سرمایه‌داران جهودمنش دم از فقر اقتصادی و سختی مبارزه زنند ولی ملت ایران با آزاد کردن بحرین گام دوم را در راه رستخیز ملی بردارد .

آنجا که مبارزه برای رهایی بحرین را زوده می‌دانند ، آنجا که در ملت ما نیروی آزاد کردن این جزیره را نمی‌بینند همانجا هستند که دیروز ایرانیان را برای ملی کردن نفت ناتوان می‌دانستند و امروز فقر اقتصادی کشور را که بدیناله سالها دزدی و غارتگری هیئت حاکمه است ذائقه مبارزه ضد استعماری نفت می‌دانند .

سردردن از مبارزه نفت تنها دایره شکیبایی و بردباری امکان پذیر است ولی هرگز نباید این شکیبایی را با دراز کردن و خاموشی در آمیخت بلکه باید این ایستادگی را با پیش رفت بسوی بحرین یعنی دومین سنگر استعمار انگلیس نیز پیش نمود .

امروز که دکتر مصدق با پیش کشیدن کار بحرین یکبار دیگر خود را قهرمان خستگی ناپذیر مبارزه ضد استعماری نشان داده باید که غرضهای فردی بدور افتد و یکبار دیگر ملت ایران هماواز همگام برای کوییدن استعمار بیگانه و بیرون راندن اشغالگران انگلیسی و آمریکائی از بحرین پیش تازد .

برکنده باد ریشه استعمار انگلیس و آمریکائی از بحرین

پیروزی باد سیاست آزادی بخش پان ایرانیسم

پایانده ایران

دولت دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۱

نی دهد روزنامه ایران ما که نویسندگان آن همه در زمره « به نعل و به میخ » زن‌ها هستند در مقاله بلند بالای خود پس از آنکه در پیرامون همان دردهائی که « اطلاعات » دچار آن شده تلفرسانی می‌کند راه چاره را در کنار رفتن دکتر مصدق دانسته می‌نویسد « آیا هیچ آقای دکتر مصدق نیندیشیده‌اند که اگر بجای ایشان دیگری که مورد اعتماد خود ایشان نیز باشد و بتواند بوضع آشفته اقتصادی کشور و سامانی دهد نخست وزیر باشد و ایشان با خیال راحت ! ! بعل مسئله نفت به پردازند ممکن است کار کشور و سامانی بگیرد » در این میان روزنامه سیاست ما انگیزه همه این رجز خوانان را نشان داده می‌نویسد : « این روزها جیب و بخل پادوهای سفارت از آجیل پر شده و بخل خاتین رونق گرفته است خزندگان و دوندگان شرکت نفت انگلیس دست بهم داده کوس و دهل می‌کوبند و با هوچی‌گری و تشویش‌آذهان برای تضعیف دولت مصدق دست از بزم می‌چوبند » و با یادآوری خیانت‌های پیش از روزنامه‌هایی که تا دیروز در دنبال « جیکاک » و « سدان » سینه می‌زدند و امروز بجلالت ملت دلسوزی میکنند نتیجه می‌گیرند که « اگر دکتر مصدق گناهی داشته باشد اینست که رحم و شفقت او نگذارد استناد مکتوبه از اداره اطلاعات شرکت نفت و خانه « سدان » را که حکایت از خیانت ، میهن فروش‌هایی که جامه ایرانی بتن کرده‌اند ، می‌کرد منتشر شود و حتی فرزندان و اقارب این تبهکارها هم پیش مردم تسل آینه روسپا باشند . »

در این گیرودار روزنامه آتش که از مدت‌پیش شمشیر را برای کمک با استعمار کران بیگانه و غشوندی از باب از خلاف کشیده از اینکه دولت دکتر مصدق به دخالت‌های نابجای انگلیس‌ها در بحرین اعتراض کرده خشکین شده می‌نویسد « اکنون دولت متوجه شده است که با داشت اعتراضی که در باره بحرین برای سفارت انگلیس در تهران ارسال شد قبل از اینکه نتیجه ای عملی بیاورد ایران کند سود آنرا انگلیس‌ها خواهند برد »

این استدلال ملا نصرالدین روزنامه آتش بیاد می‌آورد روزهای را که ملت ایران مبارزه نفت را بصد انگلستان آغاز کرد و روزنامه‌های نفتی می‌نوشتند خود انگلیس‌ها نامه ملی کردن را بلند کرده‌اند ولی در هر حال پاسخ آنرا روزنامه شاهد در طی سرمقاله خود چنین می‌دهد

« با داشت دولت ایران به وزارت خارجه انگلستان در موضوع بحرین نشان داد که دولت دکتر مصدق در هیچ شرایطی حاضر نیست با ادامه غارتگری بیگانگان در کشور ما تن در دهد »

جزایر زرخیز بحرین که امسرو و آمریکائی‌ها از نفت آن بدون اجازه ملت

آبادان

امانوئل گانت

فیلسوف بزرگ آلمانی

(۳)

دین و سیاست

امانوئل گانت متفکر آلمانی در مورد دین و سیاست نیز مطالعات عمیقی نمود و آثار گرانمایی از خود بیاد کار گذاشت در مورد اخلاق و فلسفه اثبات وجود هر دو را گاه گفت اگر چه ممکن است ما از راه علوم نتوانیم به خالق بی بیرم و عقل مجرد بدین ترتیب از دور وجود خداوند قاصر باشد ولی عقل غیر مجرد وجود خداوند را کاملاً اثبات میکند ، این گفتگوی فلسفی را باید در کتاب مشهور او بنام بررسی عقل غیر مجرد ، مورد مطالعه قرار داد

نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه ۱

بخوان اینک به دبیران توهین نموده‌است بشهر بانی شکایت و پرونده بداد گاه کرج احال می‌گردد و در آخر وقت روز پنجشنبه رئیس دادگاه قرار صادر نموده و شخص منظور را بازداشت و با اینکه معظم‌الیه حاضر می‌شود ، چه تقدیر یا سندها لکیت بتوان وجه الکفاله بسپارد از قبول آن خودداری می‌نماید در اثر توقیف غرقه نوئی روز جمعه تمام اهالی و کسبه کرج اعتصاب و هافاها را تعطیل نموده و دسته جمعی در جلو درب دادگاه حاضر شده آزادی شخص بازداشت شده و تفویض فوری رئیس فرهنگ و ناظم دبیرستان توجیه فوری نسبت بوضع فرهنگ را داشته‌اند و در ضمن نامه بعنوان مقامات موثر نیز نگاشته که قریب بدو هزار امضاء در ذیل آن جمع آوری نموده بودند ما با زها وضع غراب فرهنگ کرج را با ولایات وزارت فرهنگ گوهرد نموده ولی متأسفانه تا بحال آنها کوئی شتوایی نداشته‌اند و این بار نیز توجه مخصوص وزیر محترم فرهنگ را بوضع وخیم دبیرستان فارابی کرج جلب و یادآور می‌شویم در صورت سستی خود اهالی سزای خیانت جوجه بشوکیها و مزدوران سفارت روسی را خواهند داد

اقداماتیکه سروان داداش زاده رئیس شهر بانی کرج نموده و اهالی آنجا را نسبت بمسئولیت خلق خود جلب نموده‌است به بعضی مطلع شدن بحال جمعیت حاضر شده و اهالی را نسبت با اقدامات فوری دولت امیدوار و خواهش نموده‌است اهالی متفرق شوند و اهالی نیز بعضی خواهش رئیس شهر بانی متفرق شده ولی ناظر از باز کردن مغازه‌ها خودداری و بعضی آزاد شدن شخص بازداشت شده مغازه‌ها را باز و ثابت نمودند که خیال اخلاص و هوچیگری را نداشته ولی در موقع بدست آوردن حقوق حق خود را هیچگونه فداکاری فروگذار نخواهند کرد از شهر کرد

آقای وزیر فرهنگ طلائى
توده‌ای در شهر کرد دانش آموزان

معصوم و بی گناه را با تهدید و ارعاب ناچار می‌سازد مرام کثیف کوه نیست را پذیرفته‌اند شهر کرد جامی بود که تا قبل از آمدن طلائى اسامی از توده توده بازی نبوده از آن وقتى که این مردك كثیف و ذلل شهر کرد وارد شد شروع بتخریب و تخریب نمودن شهر با دانش آموزان تماس می‌گرفت که سازمان دانش آموزان را تشکیل دهد طلائى چون میدانست دلشادر رئیس آموزش و پرورش بزرگترین رفیق و پشتیبان او است لذا با کمال بی‌اعتنائى مشغول تخریب افکار گندیده و پوسیده خود

اجنبی را تابکی باید که پرچمدار گشتن

اجنبی را تابکی باید که پرچمدار گشتن نام صلح بد نام کردن جانب بیکار گشتن یا که از بول سفارت یا که از دوکای روسی باده در جام کردن بی‌دک و بی‌عار گشتن فکر بیگانه پرستی مملکت بر باد دادن مصلحت در کف گرفتن نوکراغیاری گشتن آنکه می‌باید میکرد حامی کار گران کارگر بد نام کردن فکر استعمار گشتن قبل کاشش شوری و سجده کاشش انگلستان بهر انجام تکالیف از وطن بیزار گشتن صلح را پیشه گرفتن نوکر بیگانه گشتن نو جوانان خاک کردن مادران چون زار گشتن کفتری بر بام کردن نوکر فدار گشتن ملتی را خواب کردن یک بیگ هوشیار گشتن

خداوند را تابید میکند و پذیرفتن و اعتقاد بوجود خداوند برای بشر کاملاً ضروری و لازم است چه اگر جزاین راهی انتغاب شود بشر در جهنم بدبختی خواهد سوخت امانوئل گانت در مورد اخلاق و میکوبد که بشر همه چیز را از راه علوم بدست آورد الهام و مکاشفه نزرگترین وسیله ایست که بشر را به حقایق کامل آشنا میکند ، وجدان ما بر پایه تحلیل علمی قرار نگرفته است و بدین ترتیب وی بزرگترین و عالی ترین حقایق را در حقایق اخلاقی پژوهش میکند بدین ترتیب فیلسوف بزرگ آلمانی عقیده دارد اگر صد درصد ما نتوانیم معمای ذات لایزال را توجیه کنیم از نظر منطقی زندگی لازم است بیک چنین ذات مجردی قائل باشیم تا بتوانیم سعادت واقعی را در زندگی بدست آوریم او بدون آن که فلسفه وجود خداوند را بر پایه مذهب قرار دهد به مبده بعد بقا و اذاین رو سخت مورد اعتراض کشیشان و روحانیون قرار گرفت بطوری که پس از چندین مجبور شد از تکرارشات فلسفی مذهب چشم پیوشد گانت در زمانی میزیست که هنوز وحدت آلمان عملی نشده بود و دولت هسای بسی شماری در این سرزمین وجود داشته و بویژه در آن هنگام برای وحدت آلمان ، آزادی و عدم سدهای گری میانی دولت‌های آلمانی کاملاً لازم داشت او نیز تحت تأثیر محیط خود در فلسفه خود از لیبرالیسم دفاع نمود و با انقلاب کبیر فرانسه با نظر احترام انگریست

او این انقلاب را برای رهایی مردم از زیر چنگال خون آشام هیئت حاکمه لازم میدید و در اصول انقلاب فرانسه قدرت متبلور نیروهای ملی را احساس میکرد ، از نظر گانت انقلاب کبیر فرانسه ملت‌ها را از زیر بار یک طبقه متفد که همه چیز را برای خود میخواستند نجات داده و حکومت ملی را که به اراده ملت تعیین میشود جایگزین آن گردانیده بود با این همه در فلسفه گانت به لیبرالیسم و اندیویدتالیسم بیش از حد توجه شده است که وقایع بعدی انقلاب خطان بودن آنها را بجهان علم و دانش نشان داد پایان

دره فزجوانان پاک و معصوم بوده ولی مدیر دبیرستان چون یک نفر میهن پرست بود نمی توانست مشاهده کند که جوانان میهن بنف بیگانه آماده میشوند بدین وسیله گزارش فرهنگ اصفهان داد فرهنگ جواب داد که بعضی از این دسیسه‌ها جلو گیری نماید ولی اطلاعی نگذاشت مدیر دبستان جلوی این حرکات کثیف را بگیرد و شاگردان را تحریک نمود که بگویند ما این مدیر را نمی‌خواهیم پس از چند روز اعتصاب مدیر ناچار شد استعفا دهد

این است وضع اسفناک دبیرستان‌های شهرستان‌ها آقای وزیر فرهنگ گناه کوه نیست شدن گناه بیوطن شدن این جوانان پاک و معصوم را در پرونده اعمال شما بایستی نوشته شود

آخر این کودکان از همه جا بی‌خبر چه گناهی دارند که در دامان عفریته‌هایی تربیت شوند که نه دین دارند نه ایمان دارند نه علاقه بملیت دارند

بهر حال ماجداطرد این عنصر کثیف و

خان را از شهر کرد خواستاریم

رئیس دخانیات اصفهان محصول

یک مشت دهقان بد بخت و بی چاره را می‌دزد
تنها طبقه محروم و بیچاره این کشور که در آمد سالیانه‌اش محدود بعدی میباشد با کمال بردباری و تحمل انواع زحمت‌ها و مشقت‌ها از شب تا صبح و از صبح تا شب جان میکند تا باندی بیفشانده و آغراسال اگر آفتی نبیند آنرا درو کند و محصولش را بی‌آزار عرضه کند و برای معیشت بخور و نمیر یک مشت عاقل بد بخت و بی‌وایش نان تهیه کند دهقانان و کشتگران از این مردم زحمت کش و رنج دیده تنها اشخاصی هستند که کوچکترین توقی از دولت ندارند و نخواهند داشت اگر در گرسنگی و امراض از بی دوائی و بی‌دکتری بمرند صدایشان در نمی

کارگران همین پوست

بقیه از صفحه ۱

شکایت این کارگران در روزنامه رادرج کرده و رسیدگی فوری بکار این کارگران را از اولیاء امور شرکت ملی نفت خواستاریم

محترماً بعرض می‌رساند - اینجانب باور علمی بختیاری نماینده کارگران اداره مهندسی آغا جاری مدت هفت ماه است که دو نفر از نوکران سرسخت و سرسریه شرکت سابق بنام خواستاری و جوانان ارمنی برای انتقام گرفتن از کارگران میهن پرست دست بیک رشته عملیات ضد کارگری زده‌اند تا کارگران را مرعوب ساخته و مطیع عملیات مغر با نه خود نمایند چون بنده نتوانستم شرافت ملی خود را زیر پا گذاشته اوامر اجنبی - پرستانه آن‌ها را کور کورانه اطاعت کنم با کمال شقاوت و بیرحمی نسبت با بیچاره رفقا میکند چندی قبل مقدار زیادی از نان به و لوازم شرکت را خواستند بسرقت برد تا در راه پیشرفت کار هر کت که بدست مهندسیان ایران اداره میشود ، وقفه ای ایجاد کنند ولی من که یک نفر ایرانی بودم بن زیر بار این عمل جنایت کارانه نداده و گزارش سرقت آن‌ها را به ژاندارمری دادم و اشیاء مسروقه را از آن‌ها باز پس گرفته و پرونده امر را کتونی در زندان مری موجود است

این زندان ملی چون متوجه شده‌اند که من تصمیم دارم عملیات ضد ملی آن‌ها را به مقامات بالاتر گزارش دهم بن مقدار زیادی پول دادند ولی من شرافت خود را با پول معاوضه نکردم و بژاندارمری اطلاع دادم اگر چه اشیاء را دومرتبه بسرقت بردند و در یک آبادی بنام امیه به مخفی ساختند و پس از چند روز که چشم‌های کنجکار و مراد در دیدند آن‌ها را دزدیده و بفروش رسانیدند از آن روز که نتوانستم مرا با خود هم دست کنند سعی کردند که برای من پرونده سازی نمایند ۱۰ روز حقوق مرا چربیده کردند تا بعدی من بلند شود و تهی بن زند و ولی من با کمال برد باری و استقامت تمام این مشقات ورنجهائی که از طرف دشمن ملت من بر من وارد میشد تحمل کردم و با امید روزی نشستم که حقایق را از پرده بیرون ریزم و این دزدان را بجامه و ملت ایران معرفی کنم ولی انوس هر چه بیشتر صبر و حوصله کردم هر چه بیشتر بروی مر بوطه شکایت نمودم کوچکترین نتیجه ای نصیب من نشد آن‌ها بردشتی خود افزاوند و ما را بدبخت و بیچاره نمودند این انگلیس پرستان با ناسخ و پوزخند بسا می‌گفتند که شما گمان میکنید که اربابان ملا بیرون کرده‌اند

شاخیال میکنید که آیامیتوانید شرکت را اداره کنید زهی خیال باطل مطمئن باشید همین چند ما را با این بازمیکردند و ما انتقام توهین و جسارت‌هایی را که نسبت با انگلیس‌ها کردید خواهیم گرفت

چون دولت ملی ما جناب آقای دکتر مصدق فرموده بودند که ما در مقابل شما دو مصاب سکوت کنیم تمام این تعقیرها و تسخیرها بر خود هموار ساخته و منتظر دستورات دولت شدیم ولی دیگر طاعت ماطاق شد و بدین ترتیب زیر بار این همه هتاک‌ها و و ذلالت‌های این اشخاص برویم

جسارت‌های اینها بعدی رسیده است که جوانان مانع از آزادی مسلمانان میشود و دین ما را بیاد تسخیر و استعمار می‌کند و بکارگران مسلمان دستور داده است اگر در عزاداری شرکت کنند سزای شما اخراج خواهد بود و کارگران از ترس فقر و بیچاره گی تن بزیر با دین جسارت و هتاک‌ها دادند و به عزاداری حاضر نشدند

خواستاری و جوانان نمی‌توانند به بند

آید و بایک ایمان راسخ و بک روح بلند بشغل خوش مشغولند و اجازه هیچ بیگانه نمی دهند که در آن‌ها نفوذ کند و افکار پست و کثیفشان را در مغز آنها ترویج نماید با این حال آیا سزاوار است این مردم نجیب و امیل در زیر گوتیر رئیس دخانیات اصفهان هستی ورشه میانی خود را از دست بدهند ؟ آخر آقای رئیس دخانیات در دست است که ماشین آخرین سیستم و خانه چند شکوبه لازم داری که شب‌ها بروی اجساد این اجسام متحرک رقص کنی شاید با نمائی

ولی این‌ها هم ایرانی هستند این‌ها هم حق حیات دارند

تو اگر میخواهی دزدی کنی لااقل نصف دسترنج زارع را بخودش بده و نصفش را در جیب خود بریز نایک ۳ چهارم محصول زارع تو برداری ۱۰ چهارم آن را بخود دهقان که از شب تا صبح جان کنده است بدهی

یاد داشت وزارت

بقیه از صفحه ۱

(ملکه عالیه) از کوبت به بحرین مسافرت و پس از یکروز توقف مستقیماً از آنجا با طیاره بلندن عزیمت فرموده و جناب آقای نخست وزیر عراق و مامورین رسمی دیگر با کشتی نامبرده بهر آن مراجعت نموده‌اند بر طبق گزارشهای دیگری هم که اخیراً بدولت شاهنشاهی رسیده دولت عراق تصمیم دارد در بحرین کنسول گری افتتاح نماید

دوستدار وظیفه خود میداند خاطر عالی را متوجه نماید که با روابط دوستی و همیشگی و همجواری بین دو کشور دولت شاهنشاهی انتظار چنین رفتاری را از دولت عراق نسبت به بحرین که جزو لاینفک و لاینفک خاک ایران میباشد نداشته و ندارد و این امر را با اطمینان هائیکه مکرر از طرف اولیای محترم دولت عراق در تشبیه و تحکیم مناسبات دوستانه صمیمانه بدولت شاهنشاهی داده و منافی دانسته و لازم میداند در صورتیکه خبر تاسیس کنسول گری در بحرین صحت داشته باشد اعتراض شدید خود را باین عمل اظهار دارد و انصراف از چنین اقدامی را چدا خواستار شود

چنانکه شفا با آن جناب کوشرد و توسط آقای سفیر کبیر ایران در بغداد با ولایای دولت بادشاهی عراق خاطر نشان کرده‌ام باردیگر تکرار می‌نمایم که دولت ایران رفتار دولت عراق را نسبت به بحرین که قطعه ای از خاک ایران می‌باشد غیر دوستانه و مخالف با روح دوستی و داد و روابط صمیمیت بین دو کشور تلقی نم‌نماید و حقاً تغییر چنین رویه ای را از دولت دوست و همجوار و همکیش خود توقع و انتظار دارد

با احساسات صمیمانه (امضاء باقر کاظمی)

که یک ایرانی شرافتمند ناظر اعمال جنایت کارانه آن‌ها میباشد لذا چهار مرتبه مرابون کوچکترین گناه و سثوالی به مسجد سلیمان انتقال دادند چندین مرتبه بروی خود شکایت کردم که علت انتقال من چیست جوابی از آن‌ها شنیده نشد فقط گناه من وجدان و شرافت من بوده که بایول ممکن نبوده خریداری شود و خواستاری بن میگفت من آن کمی هستم که انگلیس‌ها در خانه خود مخفی ساختند و بنم آن‌ها جاسوسی میکردم و مطمئن باش که ترا اخراج خواهیم کرد آقای بختیاری پس از ذکر قجایع دیگر از این دو شخص می‌نویسد که اگر در این کشور وجدان داشتن مملکت دوست داشتن شرافت داشتن جرم است که من حاضر با کمال میل تمام ظلم و جورهای این دنا جوانان بردخارجی پرست را تحمل کنم ولی اگر جرم نیست پس چرا بداد من نمیرسید متنگه نماینده کار هرستم اینطور با من رفتار میکنند وای بحال یک مشت کارگر بدبخت و بیسواد بهر حال آقایان هیئت مختلط نفت من تاکنون چندین هزار تومان متضرر شده‌ام از هستی ساقط شده و تمام زندگانی خود را فروخته‌ام و آمده‌ام بتهران تا تصادای هزاران کارگر بدبخت را بکوش شما برسانم کارگران شرافتمند آنجا جاری برای اخراج انگلیس‌ها فداکاری و استقامت را بعد نهایت رسانیدند دیگر نمیدانستند اعمال کثیف آن‌ها در این فداکاری از آن‌ها انتقام می‌گیرند

کارگران آغا جاری از دولت میخواهند که عملیات جنایتکارانه حال انگلیس‌ها بفوری رسیدگی شود اگر در این امر سرعتی بهر جاده نشود مطمئن باشید که آتش که اکنون در زیر خاکستر پنهان است بکمرته مشتعل گشته و دیگر چاره‌ای جز سوختن و سوخته شدن نیست در خانه ساکار گران از روشن بینی و میهن دوستی فرماندار نظامی و بهشدار آغا جاری تقدیر کرده و عملیات میهن پرستانه آن‌ها را میستایم

با تقدیم احترامات

بات ش ث

بهده جامه ساقوت گنبد

مادر شماره آینه مدارک غایت و دزدی این شخص کثیف ااراه خواهیم داد

عشق يك سردار ايراني

بقیه از صفحه ۱

دسترس به آن نیست سهم تو زنی است زیبا و دوست داشتنی الهه ایست که جوانان را در مقابل خود بزانو میفکند هر چند توانا و برنا باشند .

کودش - زن که ام بدبختی است ؟ آرامب - این زیباترین و قشنگ ترین زنی است که تاکنون دیده ام می گوید زن «آبراداناس» پادشاه شوش است که سلطان بابل او را بیاری گزرس فرستاده بود .

کودش - شوهر او در جنگ کشته شده است ؟ نه او در میدان جنگ نبود چند روز پیش از شروع نبرد برای گرفتن کمک بیشتری از طرف گزرس بپابل فرستاده شده است .

کودش - بسیار خوب من او را بتو میسپارم از او بغویی نگهداری کن تا شوهرش بیاید و او را ببرد .

آرامب - آه کوروش بزرگ سردارم تو از چنین زن زیبایی صرف نظر میکنی ؟ از چنین الهه زیبایی میگذری در صورتی که او اسیرتست و مطابق قانون جنگ بتو تعلق دارد .

کودش نکاهی که آثار تعجب و نفرت در آن خوانده میشد بسرادر خود افکند و گفت :

ما پارسی ها مردمانی هستیم شرافتمند سینه بسینه و شمشیر به شمشیر در برابر دشمنان میایستیم و پیکار می کنیم .

میکشیم یا کشته می شویم ولی ناموس دشمن را پایمال نمیکنیم زنان و کودکان ایشان را اسیر و برده خود نمیسازیم غمی در آید .

تو تصور کردی من نیز مانند آن کباب کسار هستم که در برابر زنی زیبا همه چیز حتی شرافتم را نیز فراموش کنم ، خیر غیر من ناموس دشمن را تصرف نمیکند و عفت و تقوی خود لکه دار نمی نمایند ، آرامب ، برو همان طوری که دستور دادم از او آری از او پایمال شو چنان دان که شرافتمند پادشاه تو پایمال شده است .

آرامب - شاهنشاه آریا مایل نیستی حتی يك بار هم او را ببینی . کوروش نه نه - من مردی جوانم و مانند همه زود شیفته زیبایی می شوم میترسم که عاشق او شوم و عشق او مرا از خود ببخود کند و مرتکب خطای نا بخشودنی گردم یا روزگاری در خاطر عشق زنی که مال من نیست بسوزم و در جنگال اهریمن گرفتار دوم من می خواهم ملت خود را سرور و آقای جهان کنم و از تنخوازانی که بآن می شود جلو گیری نمایم عشق و سوز و گداز آن ، برای من خطرناکست .

آرامب بن مرد جنگ و پیکارم از عشق و فلسفه بافی چیزی درک نمیکنم آنقدر می دانم که این زن باید بغویی فقط شود تا شوهرش بیاید آریا بخوبی توجه کردی دامن مفت این زن نباید لکه دار شود برو و مکانی راحت برای او تعیین کن که قدری از اردو دور باشد .

آرامب بکسر بغیمه «پان ته آ» رفت و گفت . خانم شاد باشید زیرا شما نصیب بزرگترین و شرافتمندترین مردان روی زمین شده اید و او امر کرده است شما را کاملاً حفظ کنم تا شهرتتان بیاید .

پان ته آ که تا آن ساعت در غم و اندوه بسر برده بود و نمیدانست پس از شوهر زیبایی در آغوش کدام مرد دشمن قرار خواهد گرفت از شنیدن این خبر شاد گردید و گفت :

سرادر شرافتمند خود بگو من هیچ گاه این مهربانی را فراموش نخواهم کرد :

آرامب از غیمه بیرون آمد ولی قلب خود را همراه نداشت : بدبخت عاشق شده بود و آنهم چه عشقی ... اینهم از عجایب کار

های الهه و خدای عشق است که يك نظر کسی را عاشق می کند که معتقد است عشق قدرت آنرا ندارد که بدون اجازه در قلب کسی جایگزین گردد .

کودش بسوی شهرهای بین النهرین رفت و آرامب را برای نگهداری باقی مانده سپاه و حفاظت «پان ته آ» جا گذاشت .

آن بدبخت آری آرامب آن سردار دلاور عاشق شده بود و شب و روز با عشق آن لعبت شوشی دست بگریبان بود و در مغزش دویروی مهیب بچنگ برداخته بود . یکی عشق با در حقیقت شهوت و دیگری شرافت .

او بکودش به شاهنشاه خود قول داده بود که شرافت او را پسایی کند یعنی پان ته آ را حفاظت نماید و اگر دست بسوی آن زن دراز کند بطور حتم کوروش او را نخواهد بخشید .

روزها گذشت و آتش عشق سردارمادی نیز تر میشد تا یکباره شعله ور گشته و از قفسه سینه او بیخارج سرایت کرد و خرمن همتی و شرافت او را سوزاند و چنان شرافت قول ، ترس و همه را در لهیب و حشت انگیز و رعب آور آن عشق شهوان سوخته و نابود شده و عفریت شهوت نیز بر فرشته تقوی پیروز تر گشت .

آرامب دیگر آن سردار شرافتمند نبود چشهای او را شهوت و کینه و حسد فرا گرفته بود تصمیم گرفت که از شربت جام وصال «پان ته آ» سیراب شود با قدمهای کج و معوج بسوی غیمه رفت ... رفت تا ... غوی عفریتی خود را تسکین دهد

زن زیبا آن الهه عشق و جمال در غیمه خود نشسته بود آرامب را پذیرفت ... مرد عاشق در کنار او نشست پان ته آ گفت آرامب از سردار شجاع خود خبر داری آرامب گفت نه ولی من امروز برای این سخنان نیامده ام ! «پان ته آ» ای زیبایی زیبایان من ترا دوست میدارم - ترا میپرستم ، پان ته آ عشق مرا قبول کن عشقی که مراد پانته آ کرده است و شرافت و چنان و قول و همتی مرا از یاد من برده است «پان ته آ» عشق مردی را که تراف را فراموش کرده است و به جستجوی تو نیامده از قلبت بیرون کن من گروتمندترین مردان ایران هستم میتوانم ترا آله جمال آسیا کنم .

پان ته آ که هیچ منتظر اظهار عشق و علاقه از طرف آرامب نبود ابتدا متعجب شد ولی کم کم بغود آمد :

تعجبی هم نداشت که جوانی مانند آرامب عاشق زن زیبایی چون او شود . پس تصمیم گرفت تا مراجعت کوروش با او به مدد او رفتار کند که مبادا طغیان عشق و شهوت او را بسیرا بیکاری چون آمیزه ، و او دارد پس بلایت گفت .

تو دیدی که سردوزت مرا قبول نکرد تو خود گفتی که او مرا مانند خواهر خود بشویرده است . آقا قوی را که بکودش دادی فراموش کرده ای ؟ آقا با حاضری شرافت

ایکده در اثر یکمرت زحمت بدست آورده ای در بهای چند دقیقه لذت ببراد دهی . آریا می خواهی دیگر تر آن آرامب شرافتمند و بزرگوار نخواهد ؟

سخنان پان ته آ و چنان خفته آرامب را بیدار کرده آن مرد عاشق چون دیوانه کان از غیمه بیرون دوید و بجایگاه خود رفت ولی تا نبرشته های زن زیبا کم از میان رفت و خیال وصال «پان ته آ» اعصاب آرامب را به هیجان در آورده و باز هازم غیمه زن زیبا شد .

این رفت و آمد ها ادامه پیدا کرد «پان ته آ» هر روز بنوعی آرامب را سرگرم می ساخت و با سخنان خود و چنان خفته اش را بیدار میکرد تا خیر مر اجبت کوروش و رسیدن او نیز یکی آذ بایجان شایع شد

این خبر آرامب را دیوانه کرد پس از مدتی تفکر با خود گفت ، کوروش میبرد و این زن بدجنش ما را در برای او خواهد گفت و مرا رسوا خواهد ساخت و کامل از او باید گرفت و رسوا شد !

آثار نفرت و ترس در چهره زیبایی زن شوشی نمایان شد و گفت ..

آرامب مرا از مرك مژگان بسیار خوب حالا که تصمیم گرفته ای خنجر تر در آور اینهم سینه من آرامب نکاهی به سینه سپید و عربان و پستانهای برجسته و قشنگ پان ته آ که منظره شهوت انگیزه را ایجاد کرده بود افکند و گفت پس از اینک من بوسال رسیدم آنوقت !

آنگاه بسوی زن بدبخت رفت . عفریت شهوت طوفانی در درون او برپا کرده بود .

هیچ چیز نمی دید و هیچ چیز نمی اندیشید فقط میخواست اندام نرم و شهوت انگیز «پان ته آ» را در آغوش گیرد و لبان لعل گوشت را در دهان بکشد . با موهایی سیاه و برجینش بازی کند

دستهای آرامب میلرزید ، انگشتانش چون پنجه پلنگ خم شده بود ، گونه هایش چون آتش سرخ و گرم شده بود ، مانند بیری که بشکار خود حمله کند بز و وحشت زده نزدیک میشد .

«پان ته آ» لرزان لرزان ، در حالیکه از شدت وحشت نزدیک بمرک بود عقب میرفت تا با آخر چادر رسید و ناگهان بازوان چاق و گوشت آلود خود را در میان دست های خشن و ورزیده آرامب دید

ناله ای که شباهت با آخرین ناله محضراته ای بود از میان لبانش بیرون آمد حرارت صورت آرامب را در نزدیک گونه های خود حس کرد چنان مادی بایک حرکت وحشیانه او را در آغوش گرفت ... ولی صدای قوی و محکمی او را از ادامه عملیات

وحشیانه اش بازداشت ... صدا گفت آرامب ... خائن ... خائن چه میکنی ... مگر به شاهنشاه قول ندادی خائن پس است تو باید پیروی ...

آرامب در حالیکه هنوز بازوان نرم و لطیف «پان ته آ» را در دست داشت بعقب برگشت در جلوی غیمه «آرتنه با» سردار کوروش را دید که بشیش خود تکیه داده است و عملیات او را مینگرد .

کلمه خائن از دهان مردی خشن و سرد چون آرتنه باز چون تنک حکمی بود که بر مرد شهوت تران فرود آید عشق و شهوت یکباره معدوم شد . آرامب شرمسار و سرافکنده دست از بازوان «پان ته آ» برداشت و زن بدبخت بد بمرک چادر تکیه داد . آرامب بیچاره قدرت نداشت بدیده گان پان ته آ آرتنه باز نگاه کند

سردار کوروش بسوی او رفت و بازویش را گرفت و گفت بفرمان کوروش در غیمه خود باش تا من بنزدت باز آیم . آرامب چون بمر مردان غیمه و لرزان از غیمه بیرون رفت و آرتنه باز روی به پان ته آ کرد و گفت خانم دیگر تر رسید کوروش امشب میرسد یک شما دیروز عصر مرا رسید و همان ساعت با مر کوروش حرکت کردم و تصور میکنم بوقع رسیدم

پان ته آ گفت تو و شاهنشاهت بزرگ ترین و شرافتمندانه ترین آفریدگان خدا هستی این جوان مدتی است بن اظهار عشق میکند ولی من با هزاران تدبیر مانع تجاوز او شدم ولی چون خبر نزدیک شدن کوروش شایع شد دانستم او دست بعسکرات چنانچه ای خواهد زد پس قاصدی فرستادم هم حدس من صائب بود و هم شما بوقع رسیدید .

آرتنه باز گفت خانم مطمئن باشید تا کوروش زنده است از شما به خوبی نگهداری خواهد شد . اینک بنده مرا رخص فرماید آنگاه در مقابل پان ته آ سرفرو داد و بسوی غیمه آرامب رفت او را دید چون جسد بیرونی در جادر نشسته و چنان مغموم و افسرده است که بیم آن میرود از شدت اندوه جان بسپارد آرتنه باز در کنار او نشست و گفت :

آرامب این چه حرکتی بود ؟ آرتنه باز من خود چنان خجل و شرمندم که چو مرگ آرزویی ندارم من آن آرامب شرافتمند ، من آرامب که شایسته بزرگ سرداری چون کوروش نیستم آری من آرامبی هستم که فقط نا بودی و مرگ لایق و سزاوار من است

شنیده ام کوروش امشب وارد میشود خدا یا چگونه بروی او نگاه کنم آرتنه باز گفت دوست من غمگین مباش

کوروش ترا خواهد بخشید نگران مباش آرامب . ترس من از مجازات نم . ترسم زیرا مستحق مجازاتم من از اینکه شرافت و چنان خود پایمال کرده ام ، از اینکه باید باین ننگ در برابر کسی که مظهر شرافت و ناموس پرستی است بایستم شرمندم .

او آرتنه باز چگونه مردی مانند من که شرافت خود را پایمال هوی و هوس کرده است می تواند در برابر مجسمه و مظهر مردانگی و شرافتمندی بایستد آه کاش قبل از رسیدن کوروش مرگ را به چشم به بینم .

چند ساعت بعد کوروش رسید بعضی اینکه از اسب پیاده شد آرتنه باز را خواست و گفت چه کردی آرتنه باز گفت خداوند کارا بوقع رسیدم پان ته آ سالم و یک در غیمه خوش است و آرامب از شدت خجلت و شرمندگی نزدیک بمرک است ، او شرافت خود را پایمال شده و از دست رفته میدانند و میکوبید روی دین تر اندازد .

کوروش گفت آرامب جوان است و از جوانان بغضوس آنها یک در دربار ماد تربیت شده اند اینگونه کارها بعید نیست من او را بخشیدم چه در حقیقت تقصیر از من است که او را به حفاظت پان ته آ گماشته و باعث چنین پیش آمدی شدم برو او را بنزد من بیاور .

چند دقیقه بعد آرتنه باز آرامب را بغیمه کوروش آورد . آرامب خود را بیای کوروش افکند و گریه کنان گفت

خداوند کارم ، بر مریدیکه شرافت خود را از دست داده است مهربان مباش خداوند کارا گر میخواستی بر من رحم و عطف کنی این خنجر را از کمرت باز نما و این بدن جنایتکار و کثیف و شهوت ران مرا بپاره کن من دیگر آرامب شرافتمند که قابل بخشایش باشم نیستم

کوروش بازوی او را گرفت و گفت برخیز دوست من . برخیز غمگین مباش من ترا همان آرامب شرافتمند و بزرگ منش میدانم .. برخیز و هر چه واقع شده است فراموش کن .

آرامب برخاست ولی هنوز سر بزر افکنده و قدرت نداشت بدیده گان سردار مهربان و شرافتمند خود نگاه کند پس کوروش دست از پیر چانه او گذاشت و سرش را بلند کرد و گفت - نگاه کن من و تو همه چیز را فراموش میکنیم تو هم اکنون بغیمه خود برو شبانه بسوی لیدی حرکت کن کورس سلطان لیدی تهیه جنگ دیگری می بیند برو و بعنوان اینکه از من گریخته ای از کارهای گزرس مطلع شو .

بروشان بده که همان آرامب شجاع و شرافتمند هستی باید دیدار

آرامب در برابر کوروش تعظیم کرد و در حالیکه اشک شادی از دید گانش سرازیر شده بود بیرون رفت فرادی آن روز و این خبر در همه جا شایع شد که آرامب برای خاطر زن شوشی کوروش را ترک گفته و بلیدی پناه برده است پان ته آ از اینکه باعث شده بود کوروش یکی از بهترین دوستان خود را از دست بدهد غمگین شد

و خواجهرای خود را پیش کوروش فرستاد و پیغام داد از رفتن آرامب غمگین مباش اگر اجازه دهی کسی بسوی شوهرم «آبراداناس» فرستم و او را بغوانم تا برای تو نوکری مفید تر و نذاکت تر از آرامب باشد

کوروش بفرستاده پان ته آ گفت به خانت یکوشور او از هم اکنون دوست من خواهد بود و او را بغواهد

پس از چندی آبراداناس شوهر پان ته آ بحضور کوروش آمد کوروش دست زدنش صحیح و سالم بدست او سپرد و گفت اگر مایلی من دوست باشی که چه افتخار بزرگ و اگر هم نمی خواهی این امانت تو

شوهر پان ته آ در برابر کوروش بنگاه افتاد و گفت همتی و خون و لشکر من بتو تعلق دارد هر چه فرمان دهی همان کنم کوروش دست او را گرفت پهلوی خود نشان و بدمد ماموریت جنگ باو داد

پایان

آبادانا

دارنده امتیاز - امیر سلیمان عظیمی زیر نظر هیئت تحریریه

فقط باه ریال

آقایان شیک پوش باه ریال میتوانید بپراهن خود را از حیت شست و شوی و آهار بیه بیه نمانید

نشانی شاهرضا پیچ شمیران لباس شوئی خوشبخت

شهرت ماه ۳

کار کار کار

هنر کده آ بام با دریافت ۵۰۰ ریال حق تعلیم در مدت یکماه فن ماشین نویسی می آموزد و شادابی یکی از بنگاه های ملی یاد دوتی معرفی میکند کسانی که بکار احتیاج ندارند حق تعلیم ۲۵۰ ریال

نشانی هنر کده آ بام مجسمه فردوسی آ بام چهار راه شاهپور

آ بام میدان شاه

شهرت ماه ۳

می دانم می خواهید بدانید چرا فکر می کنم

فقط امروز و فردا را

صبر کنید

شهرت ماه



آژانس

تبلیغاتی شهرت ماه

قابل توجه بازرگانان محترم

بزرگترین کمپانیها و آژانس های تبلیغاتی دنیا

معتقداند که بهترین طرز تبلیغ در روی اسفالت خیابانهای پر جمعیت است که در روز چند ملیون خواننده دارد - باین دلیل شما پیاده یا سواره باشید زیر پای خود نگاه میکنید و رکلامهای روی اسفالت را میخوانید آژانس تبلیغاتی شهرت ماه اولین دستگاه و رنگهای مخصوص رکلام در روی اسفالت خیابان را وارد کرده است تهیه و تنظیم تابلوهای متحرک رنگی و آگهی های جدید بطرز مخصوص در جراید و سینما در رادیو کرآور - کلیشه چاپ ساده و رنگین - نقاشی - برای هر گونه رکلام بقیمت مناسب آماده است

نشانی لاله زار پاساژ جعفر مهران طبقه اول

آژانس تبلیغاتی شهرت ماه ۳

هنرمندان رانندگی و هیگانیکی ایران

در این فصل از فرصت استفاده نموده فن رانندگی و میکانیکی را بطور کامل بانظر متخصص کار آموزده بطور کامل بیازمایید

خیابان فردوسی جنب کوچه خندان

۱۰۰۱

با ایران پیما مسافرت کنید

نشانی چراغ برق

تلفن ۳۱۷۶۰

بزودی کتاب

ناریخچه مختصر ناسیونالیسم منتشر میشود

نمایندگان شهرستانها تعداد مصرفی خود را اطلاع دهند

گیمین نور در بهترین وسیله مسافرت است

بازرگانان محترم آگهی در این روزنامه بهترین تبلیغ برای گلای شماست

درباران ما

ملای توده ای در بابل

آخوند شیخ ولی الله همکار شیخ برقی که تشریفات مذهبی توده ای های بابل در اختیار اوست از بابل بکمال اسلامی مزدور معروف فرار کرده و بابل در تهران به این درون درمی زند که برای میهن پرستان بابل با پوش سازی کند و بروی جنایات پسران خود که از کونیست های «لندن» مسکو» هستند پرده بکشد

ما باین فرد کثیف اعلام می کنیم اگر باز هم مانند سابق بخواهد پیشینیانی عوامل خارجی مردم را بفریبد بسزای اعمال و رفتارش خواهیم رساند و کاری خواهیم کرد که برای همیشه مردم بابل از دست او در امان باشند.

اوقاف بابل در چنگ توده ای ها

از قرار اطلاع ملای توده شیخ ولی الله بدستکاری اسلامی میکوشند تا اوقاف بابل را بدست گرفته و همچنان بقعه بازی های خود ادامه دهد.

ما توجه اداره اوقاف را باین قضیه جلب مینمایم.

حال سرور هندی همچنان خطرناک و سرور شریانی رو به بهبودیست

حال سرور هندی در اثر ضربات شکاری که بر او توده ای ها وارد ساخته اند همچنان خطرناک است و هنوز موجبات نگرانی مرتفع نشده ولی حال سرور شریانی رو به بهبودیست

ستوان یکم فروز اقر عمل کثیف توده ایها در شهر بانی آمل
این پسرک پست در چند ماه پیش دوسری جوان دانش آموزی را قریب داده و به نفع عمل متافنی نفت با او انجام داده پرونده قطور عملیات جنایتکارانه او در دادسرای ساری می باشد روز چهارشنبه ۳۱۲۳ عده ای از ادازل و او باش را بزرگ کرده تا بنام حزب کثیف توده دوسترانی برای اندازند این پسرک بلشویک مآب مهرسکوت بر لب زده و حتی پسر بازان غیرتمند و شرافتمندی که چندین بار از وی اجازه خواسته بودند که با کلوله جواب این جسد ها را بدهند اجازه نداد که آنها را متفرق سازند

اصناف و بازاریان شرافتمند با خشم بی حد و اندازه با مقامات مشغول تماس گرفته تمویض و برکناری فوری این افسران و مزدور را خواستار شده اند چنانچه شریانی کل عاجل این دزدان موس وطن را از آمل طرد سازد باخت و خواری اورا از شهر خارج خواهند ساخت

ایرانیان مقیم هند ۴۰ هزار روپیه برای کمک بایران میدهند
آقایان م. م. ک. شیرازی و پسر کلکته ۳۰۰ هزار روپیه میدهند تا در شیراز بیمارستانی مخصوص چشم پزشکی دائر سازند آقای سید محمد علی ۳۰ هزار روپیه میدهند در کسول ایران ده هزار روپیه برای آرمگاه بعلی سینا انجمن زرتشتیان ۲۰ هزار روپیه

کشف میکروب بوسیله یک دوشیزه ایرانی
دوشیزه مرضیه تقی دکتر داروساز که در دانشگاه کالیفرنیا مشغول مطالعه میباشد موفق شده است یک نوع باکتری که مدت ۳۶ سال مورد مطالعه پزشکان قرار گرفته بود کشف نماید این دوشیزه در ضمن اینکه درباره باکتریهای مربوط به حصه و اسهال که روی میوه های خشک از قبیل انجیر و خرما و گوجه پرورش میافته مطالعه میکرد باین راه پی برده است

بزودی مایر عبدالله بسزای جنایات خود خواهد رسید
در ضمن مطالعه پرونده های مالیاتی از طرف دولت متوجه پرونده این جانی بیوادی شده اند علاوه بر آن که پول دولت را نداده اتهامات جزای نسبت با و وارد است که مورد تعقیب قرار گرفته است

مجلس شورای ملی افتتاح خواهد شد
با وجود کارشکنی های مخالفین دولت و اعمال انگلیس بالاخره دولت موفق شد که مقدمات افتتاح مجلس را تکمیل نماید و مجلس بالاخره افتتاح خواهد شد

از تظاهرات جلوگیری میشود
فرماندار نظامی اعلام کرد که بهیچ عنوان اجازه داده نمیشود که تظاهراتی انجام گیرد و این عمل بزرگترین ضربه ای است که بکمر اخلاک کران توده ای وارد شده است زیرا آنها قصد بلوا و آشوب در تهران داشتند

شهادت یک سرهنگ جهود در چالوس

در شماره قبل مراتب خدمتگزاری ... و انجام وظایف ... جناب سرهنگ سوسن بری رئیس مرزبانی چالوس بر مرض خوانندگان عزیز رسید این آقای م. م. آ. آب و خاک فرزندان پرورمند وطن یعنی کارگران دلیر و شجاع چالوس را تهدید میکنند که آدم کشان حزب منفور توده باخبرهای تیز و کاردهای قصابی خود وطن پرستان را بفک و خون میکشند ...

جناب سرهنگ سوسن بری باصطلاح با دلسوزی و ملاحظت و همدردی سخنان سرابا نیش خود را در بدن کارگران ملی فرو میکند تا آنها را از مبارزه با مزدوران روس و انگلیس باز دارد و مرعوبشان سازد

غافل از آنکه هر آن بازوان توانا و مستهای کره کرده کارگران ایران محکم تر و متشکل تر کشته در کنار لاشه انگلو کونیست ها مزیایه کوبان را نیز متلاشی میسازد و اکنون بیاس احترام قوانین کشوری این آقا گفته میشود مرا بغیر تو امید نیست شرمسان

در خیانت کاری و مزدوری دکتر مهرعلی رئیس

ساختمان خالی بهداری نوشهروزیارت بهداری دست دارد

عنصری شید و جیره خوار و مزدور بنام دکتر مهرعلی که سنگ مهاجمین روسی را بسینه میکوبد در شهرستان نوشهروزیارت در پای غرر بظواهر عنوان رئیس بهداری آنجا که معض نمونه حتی و از این هم در اختیار ندارد ماهیانه مبلغ هنگفتی از بودجه کشور حقوق میکیرد کعبه آمالش مسکو و روزانه اش تبلیغ و یقه درانی کمینفرم روس است

چند روز پیش یکی از کشتیکران تنگه دست بنام آقای جواد جوزانی که باین فشار زندگی و باره ای از علل خانوادگی با خود را خوردن تریاک مسموم کرد ویرا به بهداری نوشهروزیارت پیش آقای دکتر که دلیش بهال کارگران کباب شده و سوخته است برده و آقای دکتر از معالجه آن رعیت بیخود خود داری کرد طبق اطلاع حاصله بر سینه مریش عکس دکتر محمد مصدق را شاهده کرد و چون تیر زهر آلودی بر تن چشمش فرو نشاند باتندی گفت «من از معالجه این بت پرستان شرم دارم» بدون شک وزارت بهداری این کل سرسید را قطعاً می شناسد و از خوش خدمتی و نوکری او نسبت بیک دولت خونخوار و استعمارگر خارجی اطلاع دارد

خیلی مسخر و مضحک است دستگاه و یا عنصری که از دسترنج مردم بزرگ کی تکت با و آلوده

جهان ملتها

مشترب امریکائی و انگلیسی (بریتش امریکن تاپاک) قراردادی برای خرید تپاک و توتون در چین کونیست اطراف این شرکت منعقد گردیده است این اولین بار است که یک قرارداد بازرگانی مهم بین یک شرکت امریکائی و چین کونیست منعقد میگردد

دستگیری رهبر ملیون الجزیره

الجزیره پلیس الجزیره حاج متالی رهبر ملیون الجزیره را در غلیب ویل واقع در مشرق الجزیره دستگیر و بناسیجیه بسوازیایه نزدیک شهر الجزیره تبعید کرد

شکست کفران اقتصادی مسکو

طبق اطلاع غیر کزادی های خارجی با وجودیکه روسها سعی داشتند که اقلاً سه میلیارد دلار معاملات تجارتی در مسکو انجام بگیرد معذالک طبق آمارهای که منتشر شده در تمام جریان این کفران نقط ۲۵۰ میلیون دلار معاملات بازرگانی انجام داده اند

نمایندگان بازرگانی ژاپن تقاضای خرید دویست هزار تن نیک کرده اند

طبق اطلاعات واصله نمایندگان تجار ژاپنی برای خرید کالاهای صادراتی ایران به تهران وارد شده اند و با وایایه وزارت اقتصاد و بازرگانان صادر کننده تماس گرفته و اولین پیشنهادی که از طرف تجار ژاپن در داه شد تقاضای خرید دویست هزار تن نیک در مقابل معاوضه مصنوعات آن کشور میباشد

ممکن است قرارداد چهار جانبه بین دول کرانه مدیترانه منعقد گردد

دو روز قبل عدنان مندرس نفیست وزیر ترکیه با اتفاق هشتی از آنکارا به آتن عزیمت نموده و در مورد روابط یونان و ترکیه و ایتالیا و یوگسلاوی مذاکراتی بعمل خواهد آمد و امید زیادی به توافق بین یوگسلاوی و ترکیه می رود و ممکن است طی اعلامیه ای در یونان قرارداد مهمی بین این چهار دولت منتشر گردد

یکی از اعضاء

کند و توده قفقازی را از زیر یوغ ایان های بی اساس نجات دهد و آنها را بجاهد ترقی بیاورد

مانیخواهیم که برای همیشه اسیر افکار پوسیده کسانی با هم که ۱۲۰ سال پیش طوایف بدوی و مردم عربستان را زیر یوغ کشیدند و با تالیفات قلابی و با «الهام» و «وچی» مردم را غریقتند و آنها را دوشینند

ما باید بر طبق اصول علمی حوادث تاریخی جهان و کشور خودمان را تحلیل کنیم و بی جهت بدینال افکاری که ناشی از تعصب است نرویم

تحلیل مغفیان و روش بینانه تاریخ ضروری است

این نوع تحقیق ما را درباره بسیاری از مسائل از جمله مسئله اسلام روشن خواهد ساخت

اگر مردم به روشه و حق مذهب آشنا شوند مسلماً دیگر حاضر نخواهند شد که همچنان از عقایدی طرفداری کنند که ناشی از یک فکر طماع و فاسد است

خود ادامه میدهند چگونه آنها را دستخوش امیال وحشیانه و خیانتکارانه خود قرار میدهند

غافل از آنکه ملت ایران همگی این عقیده بازیها و نیرنگهای مکارانه را بر و ز حساب و شمار گذاشته بیک باره میل خون جاری میسازد

حال وزارت بهداری با دوام و قرار ماموریت خیانت کاری دکتر ۱۰۰۰ مهرعلی ماهیت خود را بیش از این نشان دهد

حمید آلبویه و فرادانی جهود دو باز پرس انگلو کونیست

نوشهر و شهسوار بر علیه کارگران و کشتیکران ملی پرونده سازی می کنند

چندی پیش که غفلتاً عناصر ناشناسی وارد شهر چالوس شده باراهنمایی و همکاری چندتن از کبوتر بازان صلح خواه ... در ب و بنجره شهر بانی چالوس را خورد و یکی دوتن از باسیانان را مجروح میسازند کارگران وطن پرست چالوس به دفاع پرداخته در آن واحد اخلاک کران توده ای را دستگیر و بقامات انتظامی میبرند

شهر بانی چالوس طی عرض حال جامعی بدادگاه نوشهر و شهسوار مینویسد که شیشه ها و بنجره ساخن شهر بانی بر اثر اغتشاش و آشوبگری عناصر حزب توده خرد شده است

ولی طبق اطلاع عین دادخواست با درستی فرادانی و آلبویه مفقود می گردد و دو باز پرس خیانت پیشه شروع بر پرونده سازی برای کارگران ملی کارخانه چالوس می کنند و آنان را اخلاک ... و ما جراجوا ... قلمداد مینمایند و پیرک جلب برانی به عوش کبوتر بازی سرگردمند

از طرفی شهر بانی چالوس جدا در تعقیب دادخواست خود مشغول است واقعا خیلی مسخره بنظر میرسد که تا این حد دادگاه را بلجن بکشند و صرف هوی و هوس و رفتار مذموبو حانه خود از قدرت قانون برای از بین بردن قانون استفاده کنند

و اما کارگران وطن پرست چالوس با ماتانت تمام برویه خائنه دو باز پرس توده ای، بشکری و می خندند و بیکوری چشم اجنبی پرستان روز بروز متشکک تر و متعذر تر و صمیمی تر میگرددند

اتو کرمانشاه

با تو کارهای مبله آخرین مدل مطبئن و راحت اتو کرمانشاه به همدان ر کرمانشاه و کاظمین مسافرت کند

بوذرجمهری مقابل بازار آهنکرها تلفن ۲۱۹۳۷

ایا برای شیلات

بقیه از صفحه ۱
بار دیگر چشمش بجمال آقای شمیری منور شود و باخوردن چند پرس از جلو کباب های معروفش تلاقی گرسنگی های آنها را بنماید و از همه اینها گذشته مسئله ای که او را بیشتر عصبانی می کرد تقاضای بیجای دبیرش بود که از وی مقداری خاویار می خواست دوست بیچاره من نیز چساره آنرا بعهده من گذارد و باین می بولی خرجی بگردم انداخت، انقضه مغلس هم که از قیمت خاویار اطلاعی نداشتم بدون پروا بطرف خیابان استانبول براه افتادم و پس از قدری تفحص وارد مازه شیلات شدم و یک کیلو خاویار مطالعه کردم فروشنده آن را بیچید و بن داد بر سیدم بقدردانیشود باسردی گشت

چهل تومان ناگهان مثل ترقه از جیبم درآمد و با حالتی استهزام آمیز چشم با دو چشم پیش خود گفتم حتما اشتباه می کند و منتظر بودم حرف سابق را تکرار کند ولی قیافه خشک و سرد او که با چشهای آبی خود مرا میچسباند منکرست بن نفیست که شوخی در کار نیست و باید محتویات جیبم را تحویل آقا بدهم بالاخره با دریافت خاویار از مغازه خارج شدم در حالیکه متفکر بودم و بغیر خود برای یافتن حقایق فشار میاوردم با خود می گفتم آیا غیر از شکم کنده ها و کسانی که خون ما را در شیشه می کنند کسی میتواند نزدیک خاویار برود بنظر من خیلی هسا هستند که هنوز طعم آن را نچشیده اند و حتی میتوان گفت نام آن را نیز نشنیده اند در حالی که ما مالک دریای مایه هستیم که مرغوبیت جنس و وفور آن باعث اعجاب همه است

آیا هیچ فکر کرده اید یک ماهی متوسط که چندین روز هم مانده و آنرا بشما بقیست بیست ریال عرضه می دارند بیش از ۱۲ الی ۲ ریال باه خارج حمل تمام نمیشود

گرانی ماهی و مشتقات آن که معلول سوء استفاده های این شرکت میباشد باعث شده که ملت آطور که باید نتواند از ثروت خود استفاده نماید در هوش ایشان مارا به چابند و همان پول هایی را که از ما بدست آورده اند مصروف سیاستی کنند که استقلال و تمامیت ما را در هاله اطرح اندازد از لحاظ کیفیت شرکت استثماری شیلات هیچ فرقی با شرکت سابق نقت ندارد و هر دو در هاله اطرح پیش داشتند که بیک شماره منتهی شده و آن هم جز راه زبونی و مذلت ملت ایران چیز دیگری نیست هر دو هم در موقعی بوجود آمدند که دولتشان در دستگاههای دولتی در میان مردم روح کرده و روح بیداری و کیانت آنان را تضعیف نموده بودند متأسفانه پادشاهان تالایق قاچار به در حالیکه از دست رنج ملت فقیر ایران در ناز و نعمت زندگی می نمودند مورد و وسیله اجرای مقاصد شوم و شکننده بیگانگان بودند چنانچه قرارداد شیلات در زمان سلطنت ناصرالدین شاه با روسها بسته شد و این ملت از آن تاریخ تا کنون مکافات اعمال نا شایست وی را میکشد

بعد از اینکه مدت قرار داد منزبور بسر رسید دولت خواست دوباره امور آن را بدست گیرد سالدانهای روسی معالی به دولت ایران نداده و شیلات را بر و سر نیزه متصرف شدند و تاکنون هم روسها با بنوسیله مارا می چابند و با بنیترق در داخل مملکت ما اخلاک میکنند

پس باید همانطور که بی نهایت و دزدی ها شرکت سابق نفت پابان دادیم کار شیلات را هم یکسر بکنیم در اینجا دیگر مخالفین نمی توانند عرض اندام کنند و ما را از کسر بودجه و سایر عوارض آن بترسانند و علت این که عایدات ما از این راه مبلغی است که حتی از عایدات فروش ماهی در داخله کشور کمتر است بدین ترتیب دولت می تواند محصولات شیلات را با بیای ارزاتری در دسترس مردم قرار دهد و سالیانه عایدات بیشتری را نصیب مملکت نماید

روسی شیلات که اکثر روسی هستند مقدار هنگفتی از محصولات شیلات را بروسیه صادر می کنند در حالی که در موقع معاصیه نامی از این موضوع برده نمیشود و آقایان نصف سود فروش در داخل کشور را به دولت می بردانند

بنا بر این در صورتی که نتوانستیم صادرات ماهی را بخارج عملی سازیم همان فروش داخلی کسری سود آنها را تامین خواهد

ای مملکت بردارند

میگویند کارخانه

بقیه از صفحه ۱
غارتهای منفور حزب توده در چند سال پیش اطلاع کامل دارند و میداندند و کران سفاوت روس و انگلیس چه دام وحشت ناکی در سر رهکنشان قرار داده اند تا برای همیشه میهن عزیزشان را دو زیر چنگال استعمار کران جهانی امریکائی جهود و روس منحوس و انگلیس ابلیس بسپارند با نرفت و انزجار تمام روسی خواهان توده ای را از خود میرانند تا آلودگی آن مزدوران حلقه بگوش بدامان شرافتمندانه آنان سربت نکند

از اینجهت با دلسوزی و علاقمندی فراوان کارهای مربوطه را بنحوشایسته ای انجام داده

با کمال دقت اعمال و رفتار مسئولین کارخانه را مینگرند و تا آنجا که ممکن باشد از خرابکاریهای آنان شدیداً جلو گیری کرده اعضاء وطن پرست را از دل و جان فرمان بردارند

از اینکه در گوشه و کنار میشوند کارخانه ای که باو پیش از خانه خود علاه دارند در سال ضرر میدهد رنج می برند و پیش خود بعل وسط میگردانند و نسبت به حل میرایش جهود که عنوان بی اساس پرو - فسوری را بر خود نهاده است و در تمام روز بکارشکنی و فراموش کردن زبان و شماریت شکست مشغول است نفرت کامل دارند و حتی هم با آنه است

این جهود بدشرفت ماهیانه ۳۰۰ لیره بنام حقوق از میگیرد اثاثیه خانه ای که از طرف کارخانه با قاع ... داده شاه بالغ بر بنجره از ریال است و خانه ای که مسکن دارد ماهیانه دوهزار ریال مخارج برق و کرایه آن می شود که از بودجه کارخانه تامین میگردد

علاوه بر این حل میرایش جهود منشی مخصوصی دارد که ماهیانه هشت هزار اجرت دریافت میکند

بطور کلی ۷۲۰۰۰ ریال از بودجه سالیانه کارخانه بجهت آقای حل میرایش می و اما در عوش کاری که انجام می دهد صفر است و ای کاش که در منزل می تریکد و این حقوق کلان را دریافت میکرد صد صد بهتر از اینست دالما بنخریب و خرج تراشی های بی مورد و بی اساس بپردازد

خوبست مسئولین سازمان برنامه که متأسفانه همه کاری را مداخله میکنند در رسیدگی و انجام امور مربوطه خود لا اقل حساب کار آقای حل «بی در چین» میرایش را رسید و سرخر در کارخانه مهم داخلی که از یک طرف حمله و هجوم بنجلهای سوداگران آمریکائی و از طرف دیگر مثنی مزدوران بلشویک صفت انگلیس و روس و باره از ریزه خواران رشوه خوردهای حاکمه قرار گرفته و همه عوامل تلاش مذموبو حانه می کنند تا دستگاه آنرا فلیج کنند دیگر بر سر کار گماردن این جهود مخرب از جمله کارهای مسخره آمیز و ناهنجار سازمان باصلاح برنامه محسوب میگردد

ما به بروی از منویات درخشان مات و بهیج ترقی و توسعه کارخانه حریر بافی چالوس و فراهم کردن وسائل تشویق و آسایش کارگران وطن پرست و ایرانی نژاد آن عناصر فاسدی که کاری جز تخریب و فساد انجام نمیدهند بهیچمه و بخصوص به وایایه مشغول کشور معرقی میکنیم تا هر چه زود تر آبادی بلید و جیره خواران اجنبی را قطع سازد تا از اسیل زبان در اسرعت وقت جلوگیری بعمل آید و بیش از پیش کارگران زحمتکش و وطن پرست نیز دلگرم تر شوند

نود و نیازی بکنار آمدن با ایشان از بن لحاظ نیست

از نظر اینکه مدت قرارداد مورد بحث چندی دیگر منقضی می شود ما توجه جناب آقای نفیست وزیر را باین مسئله حیاتی جواب می کنیم و امیدواریم همانطوریکه ایشان در دوره های پیشین مجلس شورایی مبارزات سرسختانه ای برای این موضوع می نمودند اکنون نیز با ملی کردن دودین شرکت استثماری و سپردن آن بدست توانای هوطنان خود کام دیگری در راه سعادت این مملکت بردارند

اهالی شرافتمند چالوس بایبوستن بحزب ملت ایران بر بنیاد پان ایر انیسم رشد ملی و وطن پرستی خود را نشان دهید